

تلاش برای آشتی ملی و مردم سالاری : بریدن دست مذهب از حکومت و برپایی نظامی مردمی

سده گذشته در تاریخ معاصر ایران مترادف با تلاش پیوسته و خستگی ناپذیر ملت ایران در جهت استقرار حاکمیت قانون ، محدود و پاسخگو کردن قدرت زمامداران ، تحقق مردمسالاری و نفی سلطه خارجی بوده است . دو حادثه بزرگ در طول این سده را که هر دو در مرداد ماه اتفاق افتادند را می توان بدرستی شاهدهی بر این تلاش تاریخی شمرد .
۱۴ مرداد ماه که یادآور پیروزی انقلاب مشروطیت می باشد نقطه ای آغازین بر این تلاش بود ولی متأسفانه در ۲۸ مرداد ماه کودتای ضد مردمی بر علیه حکومت مردمی دکتر مصدق موجب شد که وقفه ای بر این تلاش گذارده شود . چرا که با این کودتا نیروهای مردمی که نشان داده بودند که می توانند حاکمیت مردم و مردم سالاری را تضمین کنند ، سرکوب شدند و ارتجاع مذهبی جانی دوباره گرفت .

نتیجه سرکوب نیروهای مردمی چیزی به جز به انحصار در آوردن قدرت سیاسی - اجتماعی بتوسط ارتجاع مذهبی و تولد جمهوری اسلامی نمی توانست باشد . امروز پس از ۵۰ سال دوری نمایندگان واقعی مردم از حاکمیت و نمایان شدن ماهیت و خاصیت ارتجاع مذهبی ، تلاش ملت ایران در جهت تحقق خواسته های برحق خود شکلی و شتابی تاریخی به خود گرفته است . بریدن دست ارتجاع مذهبی از حاکمیت و برپایی نظامی مردمی و لائیک پیش شرطی غیر قابل اجتناب بنظر می رسد و به باور ما جنبش کنونی مردم ایران جنبشی برای رسیدن به این هدف است . این تنها راه نجاتی خواهد بود که مردم را از بنده گی و برده گی نمایندگان مذهب رها کرده و راه را برای دستیابی به دموکراسی در جامعه هموار می نماید . بدیهی است که در این راه سازماندهی مفید سیاسی و هماهنگی بین مردم و نمایندگان سیاسی آنها لازم و ضروری است .

در جبهه ضد مردمی ارتجاع مذهبی حاکم ، همچنانکه شاهدیم ، آشتی و وفاق بر پایدار نگاه داشتن سلطه مذهب بر جامعه و ملت موجود است و نزاعهای ظاهری در درون حاکمیت نه برای پاسخگویی و یا تحقق خواسته های مردم ، بلکه برای هر چه استوارتر و مستمرتر نمودن حاکمیت خود و یا به عبارتی روشنتر دین سالاری حاکم می باشند . زد و بندهای دو جناح حکومت اسلامی و کنار آمدن آنها با یکدیگر نه ارتباطی با ملت ایران و نه با مفهوم آشتی ملی دارد . مردم ایران اینبار فریب چنین ترفند هایی را نخواهند خورد . افرادی که چنین مطالبی را

عنوان میکنند در پی سهیم شدن در قدرت (و نه واگذاری قدرت) هستند . این افراد اصولاً نمایندگان واقعی مردم نیستند و چون یا طرفدار رژیم و یا بی آزار تشخیص داده شده بودند اجازه انتخاب شدن به آنها داده شده است . اگر این افراد اعتقادی به مردم سالاری داشتند اصولاً خود را کاندیدای انتخاباتی که بر اساس حذف افراد مضر و غیر خودی انجام گرفته ، نمیکردند . آنچه که جناحهای درون حاکمیت به نام آشتی ملی مطرح میکنند برای مردم ایران نتیجه ای جز تداوم حکومت اسلامی و نگاهبانی از قانون اساسی آن و ادامه جنایتهای ضد مردمی رژیم ، چیزی دیگری عاید مردم نخواهد شد .

در جامعه اپوزیسیون برون از حاکمیت نیز متاسفانه هنوز در برخی محافل سیاسی برای دستیابی به حاکمیت مردم چشم امید به حاکمیت مذهبی بسته شده است و تحقق خواسته های مردمی چون : « آزادی فعالان سیاسی ، دانشجویی ، فرهنگی ، وکلا و روزنامه نگاران ، رفع توقیف از مطبوعات ، لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان ، اصلاح مدیریت و ترکیب نهادهای انتصابی ، عزل متجاوزان به حقوق شهروندان ، تصویب مصوبات مجلس و ... » ، را برای رسیدن به آشتی ملی و حاکمیت مردم کافی می دانند . ما بر این باوریم که حاکمیت مذهبی ، بنا به ماهیت آن ، حاضر و قادر به تحقق این خواسته ها هرگز نبوده و نیست . آشتی ملی که در آن تمامی اقشار و اجزاء جامعه در اداره جامعه در محیطی سالم و آزاد مشارکت خواهند داشت ، تنها در نابودی جمهوری اسلامی دین سالار (که حاکمیت در کشور و جان و مال مردم را در انحصار و سلطه مذهب خود در آورده است) ، و استقرار نظامی مردمی و جدا از اعتقادات مذهبی ممکن خواهد بود .

در جهت رسیدن به آشتی ملی و مردم سالاری نیروهای مردمی جمهوری خواه و ملی گرا (مردم سالار و نگهبان منافع ملی) که به اصل « جدایی دین از حکومت » در ساختار سیاسی و اجتماعی کشور ایمان و اعتقاد دارند ، می توانند با تلاش مفید خود موثرترین و مناسب ترین باشند . موفقیت این نیروها در برابر رقبای تاریخی خود و بدل شدن آنها به یک نیروی سیاسی موثر در جامعه در آن است که بر یک مبارزه سیاسی شفاف در جهت پایان دادن به حکومت جمهوری اسلامی (دین سالاری اسلامی) و استقرار یک جمهوری مردمی و لائیک (از مردم و جدا از اعتقادات مذهبی) در جامعه پافشاری کنند و سیاستی مبارزاتی مطابق با خواسته ها و نیازهای واقعی مردم و در نهایت پیروزی آور را اتخاذ و به آن عمل نمایند .

جنبش آشتی ملی

یکم شهریور ماه ۱۳۸۲